

## آموزه‌های راست مسیحی و سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا

محمد امین حضرتی رازلیقی<sup>۱</sup>، سید محمد ساداتی نژاد<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران(نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> پژوهشگر ارشد وزارت امور خارجه، تهران، ایران

### چکیده

گروه‌های بنیادگرای مسیحی در ایالات متحده آمریکا از شاخه‌های پروتستانیسم در این کشور هستند. این گروه‌های دینی با آموزه‌هایی چون تأکید بر جامعیت دین و پیوند دین و سیاست، مخالفت با سکولاریسم، ظهور زودرس مسیح و پایان جهان، تقابل دائمی خیر و شر، غیریت‌سازی و جواز استفاده از خشونت به منظور پیشبرد اهداف خود در جامعه از دیگر گروه‌های دینی در این کشور متمایز می‌شوند. جناح راست مسیحی با اتکا به این آموزه‌های مذهبی از دهه ۱۹۷۰ و با وقوع انقلاب فرهنگی در آمریکا، وارد عرصه سیاست گشته و بر تحولات داخلی و سیاست خارجی این کشور تأثیر گذاشته است. نوشتار حاضر درصدد است تأثیر تعالیم و آموزه‌های دینی بنیادگرایی مسیحی را بر جهت‌گیری و گرایش سیاست خارجی آمریکا مورد ارزیابی قرار دهد. پژوهشگران به منظور نیل به این هدف از روش توصیفی-تحلیلی بهره برده و از داده‌های کتابخانه‌ای به منظور گردآوری اطلاعات بهره برده‌اند. نویسندگان بدین نتیجه دست یافته‌اند ماهیت دینی جامعه آمریکایی بستر مناسبی برای فعالیت‌های گروه‌های راست مسیحی فراهم نموده و باور به ضرورت وقوع نبرد آرماگدون به ویژه در دوره کارتر، تقابل با اسلام به عنوان نیروی شر در دوران بوش و پشتیبانی از رژیم صهیونیستی به عنوان قوم برگزیده الهی و مقدمه ظهور مجدد مسیح جلوه‌ای از تأثیرپذیری سیاست خارجی این کشور از آموزه‌های بنیادگرایی مسیحی به حساب می‌آیند.

**واژه‌های کلیدی:** بنیادگرایی مسیحی، آمریکا، سیاست خارجی، آرماگدون، رژیم صهیونیستی، نبرد خیر و شر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ۱. مقدمه

بنیادگرایان مذهبی در آمریکا به عنوان یک جنبش مذهبی تندرو با تکیه بر اعتقاداتی همچون تأکید بر جامعیت دین و پیوند دین و سیاست، مخالفت با سکولاریسم، ظهور زودرس مسیح و پایان جهان و استفاده از خشونت به منظور پیشبرد اهداف خود در جامعه مذهبی ایالات متحده آمریکا تأثیر فراوانی داشته است. از آن جا که بر اساس نظرسنجی های صورت گرفته حدود ۸۲ درصد مردم آمریکا خود را متدین می دانند و روحیه دینی در میان مردم این کشور به مراتب از جوامع اروپائی بیشتر است، عامل مذهب در تصمیم گیری های سیاسی دولت ایالات متحده نقش گسترده ای دارد. راست گرایان مسیحی بعنوان یکی از گروه های مذهبی تندرو در آمریکا توانسته اند از طریق ائتلاف با جریان راست سیاسی از دهه ۱۹۷۰، جایگاهی ویژه را در تصمیم گیری های دولت های مختلف این کشور در صحنه داخلی و بین المللی به دست آورند (عزیزخانی ۱۳۸۹: ۱).

به عنوان نمونه، کشیشی به نام «روساس رشدونی» در توجیه سیاست های استعماری ایالات متحده می نویسد ملت آمریکا همان قوم برگزیده جدید است که با خداوند پیمان بسته تا در راه گسترش سلطه او بر جهان تلاش کند (هلال ۱۳۸۶: ۳۰۱). در حقیقت، هدف و رسالت مسیحیان انجیل گرا به عنوان گروه مذهبی تندرو دیگر در زمینه سیاست خارجی، آماده سازی جامعه برای بازگشت دوباره مسیح است که از آن به «تروریسم مقدس» نیز تعبیر شده است (ضابط ۱۳۸۵: ۷).

بنابراین، هرگونه تجزیه و تحلیل سیاست خارجی و داخلی ایالات متحده آمریکا می بایستی با توجه به اعتقادات و فعالیت های جناح راست مسیحی در این دو صحنه باشد که به ترتیب از طریق جریان اکثریت اخلاقی<sup>۱</sup> و مسیحیت صهیونیست<sup>۲</sup> ترویج و دنبال می شود. اهمیت این گروه های مذهبی به اندازه ای است که نوآم چامسکی، منتقد برجسته آمریکایی می نویسد سران گروه های تندرو راست مسیحی در کنار آپیک و روشنفکران لیبرال عاشق اسرائیل، سه گروه متنفذ حامی اسرائیل در سیاست آمریکا هستند (هلال ۱۳۸۶: ۳۰۶).

## ۲. بنیادگرایان مسیحی در آمریکا

جنبش راست مسیحی مجموعه ای از فرقه های پروتستان در آمریکا و تحت نفوذ کلیسای انجیلی است. این جریان بدین خاطر که به خطاناپذیری کتاب مقدس یعنی الفاظ انجیل و عهد قدیم اعتقاد داشته (McMahon 2006: 2) و به تفسیر تحت اللفظی از مفاهیم این دو کتاب همچون بازگشت یهود به ارض موعود قائل است، بنیادگرایی صهیونیستی نیز نامیده می شود (هلال ۱۳۸۶: ۱۳۰). این عقیده فکری اگر چه از زمان های دور در میان پیروان کلیسا وجود داشته است ولی حضور و نقش آفرینی بنیادگرایان مسیحی در ایالات متحده به دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ و دوره ریاست جمهوری ریگان باز می گردد چرا که در این زمان، بنیادگرایان که بیشتر بر موضوعات اخروی تأکید زیادی می کردند، وارد عرصه سیاست شده و بر اخلاقی کردن سیاست در آمریکا و نجات این کشور از انحطاط اخلاقی اعتقاد داشتند. بنابراین، هدف اصلی جریان راست مسیحی که بنیادگرایان مسیحی رکن اصلی آن به شمار می روند، را می توان ارائه ترکیبی از خدا، دولت و خانواده به انسان پسامدرن دانست (عزیزخانی ۱۳۸۹: ۲).

<sup>۱</sup>Moral Majority

<sup>۲</sup>Christian Zionist

گفتمان اساسی راست‌گرایان مسیحی در ایالات متحده، اعتقاد به هزاره خوشبختی و بازگشت یهود به فلسطین به عنوان بخشی از طرح خداوند برای بازگشت مجدد مسیح در میان مسیحیان پیوریتن ظهور پیدا کرده است. آنها بر این باور هستند که قدس، شهری است که مسیح پس از بازگشت مجدد از آن جا بر تمام جهان حکومت می‌کند ( Magee 2017: 6 ).

بنیادگرایان مسیحی که سایر ادیان و مذاهب را باطل دانسته و بر حقانیت خویش تأکید فراوانی می‌کنند، دارای اصول اعتقادی هستند که امکان تأثیرگذاری آن‌ها بر سیاست خارجی ایالات متحده و ظرفیت لابی‌گری گسترده در مجامع سیاسی این کشور را فراهم ساخته است ( McMahon 2006: 1 ) و از جمله مهمترین تأثیر آنها حمایت بی‌چون و چرا و تمام و کمال از رژیم صهیونیستی است.

**۳. آموزه‌های بنیادگرایان مسیحی:** بنیان‌های اعتقادی راست‌گرایان مسیحی که مبنای اقدامات سیاسی آن‌ها است، عبارت است از:

### ۳-۱. احساس برگزیدگی الهی

ضرورت گسترش آزادی سیاسی و ایمان مذهبی به عنوان رسالتی که از جانب خداوند به بنیادگرایان مسیحی آمریکایی محول شده، از جمله مبانی است که از همان ابتدای تشکیل ایالات متحده در سیاست خارجی این کشور تأثیر شگرفی داشته است. به عنوان نمونه، کریستف کلمپ هدف خویش از کشف قاره آمریکا را اشاعه نور انجیل در سراسر جهان و کشف سرزمین مقدس دانسته و جان وینتروپ<sup>۳</sup> نخستین فرماندار ماساچوست در این رابطه می‌نویسد خداوند اسرائیل هنگامی که ما در حال مقاومت در برابر دشمنان هستیم، در میان ما است ( Dobson 2013: 42 ).

اعتقاد به رسالت جهانی بر اساس مطالب موجود در کتاب مقدس موجب گشته است که مفهوم « قوم برگزیده » در دوران معاصر نیز در اقدامات سیاسی دولت‌های مختلف ایالات متحده نقش فعالی داشته باشد. در این رابطه جرج بوش در سال ۲۰۰۳ و در گردهمایی گویندگان مذهبی در شهر «ناشویل» ایالت تنسی عنوان می‌کند که ایالات متحده فراخوانده شده تا آزادی را که یکی از مواهب الهی است به تمام مخلوقات در سراسر جهان ارزانی دارد. ( لاپدینز ۱۳۸۳: ۵۱ ).

همچنین ریچارد پرل از بانفوذترین سیاستمداران دولت بوش با چنین رویکردی جایگاه آمریکا را این‌گونه توضیح می‌دهد که من مطمئن هستم که قدرت آمریکا برای همه جهانیان سرچشمه خیر است. فکر می‌کنم این ابرقدرت واحد، رسالت تاریخی دارد که با هر خطری که کره زمین را تهدید می‌کند، مبارزه کند ( عزیزخانی به نقل از لوران ۱۳۸۲: ۱۱۲ ).

### ۳-۲. پیوند دین و سیاست

اصلاحیه اول بند هفتم قانون اساسی ایالات متحده بر « ضرورت امتناع حکومت از دخالت در امور مذهبی » تأکید کرده است. با این وجود، بسیاری از تصمیم‌سازان و مردم این کشور، چنین رابطه‌ای را یک طرفه دانسته و بر این باور هستند که به دلیل «

قوم برگزیده» بودن ملت آمریکا و لزوم حرکت در راستای مشیت الهی، عامل مذهب می تواند نقش مفیدی در جامعه مدنی و عرصه سیاسی کشور داشته باشد (عزیزخانی ۱۳۸۹: ۵).

بنابر این آنچه در عمل شاهد هستیم، آن است که سیاستمداران آمریکائی و گروه های مذهبی تند رو از عقبه مذهبی در جاهای مختلف و بطور خاص در ارتباط با سیاست خارجی آمریکا در قبال منطقه خاورمیانه استفاده میکنند و این امر پیوستگی ذهنی آنها بین مذهب و سیاست را نشان می دهد و بروز و ظهور خاص این پیوستگی نیز در حمایت تمام و کمال ایالات متحده آمریکا از رژیم صهیونیستی تبلور یافته است.

### ۳-۳. دوره شرارت و نبردهای آخرالزمانی

بنیادگرایان مسیحی بر اساس برداشت ظاهری و لفظی خویش از کتاب مقدس، هدف انجیل را ارائه برنامه ای زمانی در مورد فرجام جهان دانسته و بر این اساس به اصولی همچون هزاره گرایی اعتقاد پیدا نمود. بر اساس نظرسنجی ها، حدود ۷۱ درصد، خود را معتقد به پدیده «آرماگدون» معرفی کرده اند (Goldberg 2002: 5). آرماگدون واژه ای عبری با تلفظ «هرمجدون» می باشد و نام کوهی در شمال فلسطین اشغالی است که در ۲۰ کیلومتری حیفا و به لحاظ موقعیت مکانی در میان الجلیل و السامرة قرار گرفته و تا کرانه باختری رود اردن امتداد دارد و وسعت آن حداکثر ۱۵ مایل برآورد می شود اهمیت آن بدین خاطر است که کتاب حزقیال و همچنان آموزه های اسحاق و دانیال نبی، کنترل و فرماندهی بر این منطقه را با تسلط بر تمام جهان یکسان دانسته اند (شیرودی ۱۳۸۷: ۸۷-۹۴).

هال لیندسی، مبلغ معروف انجیل و یکی از رهبران اوانجلیست ایالات متحده که از زیر مجموعه های بنیادگرایی مسیحی در نظر گرفته می شود در کتاب «شهر خدا» در این رابطه می نویسد پس از نبرد آرماگدون، تنها ۱۴۴۰۰۰ یهودی زنده خواهند ماند و همه آنها چه مرد و چه زن و چه کودک در برابر مسیح سجده خواهند کرد و به عنوان مسیحیان نوآیین، همگی خود به تبلیغ کلام مسیح خواهند پرداخت (Goldberg 2002: 5). به دنبال این اعتقاد، لزوم حمایت از تشکیل دولت یهودی مطرح می شود. پروتستان های انجیلی با تفسیر ویژه از کتاب مقدس، آن را جنگی هسته ای می دانند چرا که حزقیال نبی در این باره می نویسد: «با باران های سیل آسا و تگرگ و سخت آتش و گوگرد، کوه ها سرنگون خواهند شد، تکان های سختی در زمین پدید خواهد آمد و صخره ها خواهند افتاد». این امر موجب نابودی تمدن بشری خواهد گردید.

### ۳-۴. حمایت از رژیم صهیونیستی

اسرائیل را می توان موجودیتی مقدس برای پروتستانیسیم مسیحی به طور عام و کانون محوری فعالیت های تمامی راست گرایان مسیحی دانست. پیروان این شاخه از مسیحیت که با تبیین لزوم افتراق نظری نهاد دین و سیاست در بعد نظری و اجرایی ساختن آن در قرن ۱۶ زمینه را جهت حاکمیت سکولاریسم اعتقادی و لیبرالیسم اخلاقی فراهم کردند، بزرگداشت مسیحیت را از ابتدا در دستور کار خود قرار دادند به گونه ای که مسیحیان را تا مرتبه سگ پای سفره بنی اسرائیل تنزل داده، ممات و حیات خود را در گرو این قوم دانسته و برای شکوفایی دولت اسرائیلی در آخرالزمان دست به دعا بر می دارند (شفیعی سروستانی ۱۳۹۰: ۱۱). نقطه مرکزی تبلیغات تله ونجلیست ها بر حمایت از اسرائیل معطوف و اسرائیل نگین انگشتر برنامه های شبکه های مسیحی می باشد به گونه ای که حمایت از دولت یهود را که اکنون در رژیم اسرائیل متجلی شده است، فریضه

ای مذهبی دانسته و تأسیس آن را گام ما قبل ظهور (پیش از ساختن هیکل سلیمان) می‌دانند (هلال ۱۳۸۳: ۱۰) و سلیچ آدلر نویسنده معروف آمریکایی نیز علت این موضوع را باور به این قضیه می‌داند که مسیح موعود تنها پس از اقامه دولت یهود ظهور خواهد کرد (همان: ۶۱). با این وصف دور از انتظار نیست که بر اساس آمارهای مؤسسه اعتبارسنجی گالوپ از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹، ۷۱ درصد افرادی که به طور معمول در مراسم های مذهبی شرکت می‌کنند، حمایت از تل آویو را در برابر فلسطینیان ضروری تلقی کنند و این نسبت در میان اقلشار مذهبی جامعه سیاسی ایالات متحده افزایش پیدا می‌کند به اندازه ای که بیش از ۸۵ درصد جمهوری خواهان به دنبال حمایت همه جانبه واشینگتن از اسرائیل هستند (Newport 2019: 1-2) و ۷۹ درصد مورمون ها نیز جانب شهروندان صهیونیست را در برابر فلسطینیان می‌گیرند. ایوانجلیست ها نیز از حامیان اصلی کاخ سفید در حمایت از اسرائیل هستند و بیش از ۶۱ درصد آن ها از اقدامات تل آویو پشتیبانی می‌کنند در حالی که این نسبت در حمایت از مردم فلسطین از ۱۳ درصد تجاوز نمی‌کند (Smith 2019: 3). علت اصلی این پشتیبانی، باورمندی آن ها نسبت به تعلق سرزمین مقدس به بنی اسرائیل و حاکمیت اسرائیل به عنوان نیروی حق در برابر نیروهای شیطانی است و در همین راستا از اقدامات ضد فلسطینی ترامپ همچون انتقال سفارت به اورشلیم یا اعلام حاکمیت اسرائیل بر بلندی های اشغالی جولان حمایت می‌کنند (French 2019: 1). جری فالویل، رهبر سازمان اکثریت اخلاقی بر این باور است که خداوند های مرزهای اسرائیل را مشخص و خواسته های آن ها را بر روی زمین مورد تأیید قرار داد و لذا یهود دارای حق الهی و قانونی بر سرزمین اسرائیل هستند. وی در جای دیگر پیرامون لزوم ارائه کمک های مالی به اسرائیل می‌نویسد: «خداوند چهار هزار سال پیش آن را به ابراهیم داده بود و هر کس به اسرائیل لطف و مرحمت کند، شامل لطف و مرحمت وی خواهد شد. با وجود این دیدگاه لاهوتی، آمریکا نباید در ارائه کمک های مالی و نظامی به تل آویو لحظه ای درنگ کند» (هلال ۱۳۸۳: ۱۵۷). بنیادگرایان مسیحی با توجه به آموزه های خود پیرامون سرزمین مقدس یا همان سرزمین بزرگ انجیلی و وقوع نبرد آخرالزمانی آرماگدون در آن، توجه ویژه ای به «بیت المقدس» و تحولات سیاسی و ارضی آن دارند. بر اساس باور عام گروه های بنیادگرای مسیحی و به طور خاص ایوانجلیست ها، یهودیان قوم برگزیده خداوند هستند و حاکمیت آن ها بر روی زمین برگرفته از طرحی الهی است و در صورت تحقق این امر هستند که امکان نجات برای خود آن ها نیز فراهم می‌شود (اکتار ۱۳۸۷: ۱۶۰). بنابراین، میراث توراتی جنبش صهیونیسم مسیحی موجب می‌شود تا به خاورمیانه و منازعات این منطقه در چارچوب پیشگویی های عهد قدیم نگاه کنند (هلال ۱۳۸۳: ۱۲۱). راست گرایان مسیحی یا انجیلی ها به عنوان گروهی بانفوذ در ایالات متحده که ۲۵ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند (حدود ۸۰ میلیون نفر)، از آن جا که مدعی وجود مبانی انجیلی برای حمایت از رژیم صهیونیستی هستند، پشتیبانی همه جانبه اقتصادی و سیاسی از این کشور را سرلوحه فعالیت ها و اولویت نخست خویش قرار داده اند و بر همین اساس، تأثیر خود را بر سیاست خارجی آمریکا در قبال این رژیم دارند. مایک پنس<sup>۴</sup> معاون کنونی ترامپ در این رابطه می‌گوید ایالات متحده و اسرائیل بر پایه ارزش های مشترکی بنا شده اند و حمایت آمریکا از اسرائیل دائمی و همیشگی خواهد بود (Rudee 2017: 5).

گری فالول<sup>۵</sup> کشیش مشهور اوانجلیست نیز به این نکته اشاره می‌کند که ما تا بی نهایت طرفدار اسرائیل و قوم یهود خواهیم بود؛ یهودیان یقین داشته باشند که اوانجلیست ها بهترین دوستان آن ها در جهان هستند (Ben Barka 2012: 3).

<sup>۴</sup>Mike Pence

<sup>۵</sup>Jerry Falwell

همین امر موجب گردیده است تا روابط ایالات متحده و اسرائیل از سطح روابط عادی فراتر رفته و مردم و سیاستمداران این کشور صرف نظر از منافع مادی، خود را از لحاظ اخلاقی و دینی و به دلیل نقش اسرائیل در تراژدی آخرازمی اوانجلیست ها ملزم به حمایت از «اسرائیل نوین» بدانند (اکتار ۱۳۸۷: ۶۰) به حدی که یهودیان اسرائیل را برادران و خواهران دینی خود به حساب آورده (Goldberg 2002: 2) و ۸۲ درصد از آن ها سرزمین اسرائیل را هدیه الهی به ملت یهودی به شمار می آورند و بیانگر جایگاه ویژه اسرائیل در مبانی اعتقادی آن ها است (Connelly 2016: 3) در حالی که همین نسبت در میان خود یهودیان ساکن آمریکا کمتر و چیزی حدود ۵۵ درصد است (Lipka 2013: 1).

آن ها بر این باور هستند که خداوند وعده بازگشت یهود به سرزمین موعود را به ابراهیم، اسحاق، یعقوب و یوسف داده است و کلیسا باید در جهت استقرار مجدد یهود کمک کند (Goldberg 2002: 4). ویلسون<sup>۷</sup> می نویسد من خود به عنوان فرزند یک کشیش پروتستان در مقابل سرزمین های مقدس و بازگرداندن آن به صاحبان اصلی آنها احساس وظیفه می کنم (عزیزخانی ۱۳۸۹: ۱۵). همچنین در باور بسیاری از کسانی که خود را اوانجلیست معرفی می کنند، این عقیده وجود دارد که خداوند سرزمین اسرائیل را به قوم یهود ارزانی داشته است و هر کسی که از یهودیان حمایت کند، خداوند نیز از وی حمایت کرده و هر کسی که با اسرائیل دشمنی بورزد، مورد لعن خداوند قرار می گیرد. (McMahon 2006: 5).

بنابراین، مسیحیت صهیونیست بیشترین تلاش خویش را در جهت مشروعیت بخشی به دولت یهودی و حق رژیم صهیونیستی در اشغال سرزمین اسرائیل و کرانه غربی معطوف داشته است. در این رابطه، هال لندسی<sup>۸</sup> در سال ۱۹۷۰ در کتاب معروف خویش به نام «سپاره عظیم و فقید زمین» می نویسد مهم ترین نشانه پایان تاریخ و بازگشت دوباره مسیح، بازگشت یهودیان به سرزمین اسرائیل پس از هزاران سال می باشد که این امر می بایست قبل از آخرین گام یعنی بازسازی معبد سلیمان در موقعیت فعلی مسجد الاقصی انجام شود و پس از این اتفاق است که جنگ آخرازمان (آرماگدون) به رهبری آمریکا و اسرائیل در برابر نیروهای شر به وقوع خواهد پیوست. (Goldberg 2002: 2)

آن ها معتقدند تسلط غیر یهودیان بر بیت المقدس، تسلط شیاطین بر این سرزمین مقدس است و برای ظهور حضرت مسیح، می بایست استقرار یهودیان بر این مکان تکمیل شود و به منظور تحقق این امر و پیروزی نیروهای خیر (ارتش اسرائیل) بر تقویت بنیه نظامی و هسته ای این کشور با هدف تحقق وعده الهی تأکید می کنند (اکتار ۱۳۸۷: ۱۷۷). این پشتیبانی به اندازه ای است که کشیشی به نام کریس متئوس در شبکه MSNBC طی اجرای برنامه خود، این گونه به این امر اشاره می کند فلسطینیان می بایست این سرزمین را ترک کنند چرا که کتاب مقدس (انجیل) نیز این نظر را تأیید می کند. همچنین او می افزاید من هرگز نمی پذیرم که یک دولت فلسطینی در سرزمین های اسرائیل حکومت کند. (Goldberg 2002: 3).

در این رابطه، سالومون یکی از بزرگان مکتب صهیونیسم مسیحی در سال ۱۹۹۸ می گوید ما پرچم اسرائیل را بر فراز کوه معبد به اهتزاز در خواهیم آورد و دیگر قبه الصخره و مساجدش در آن وجود نخواهند داشت، بلکه تنها پرچم اسرائیل و معبدها در آن خواهد بود. (سایزر ۱۳۸۶: ۴۴).

بنابراین، می توان این نکته را مد نظر قرار داد که بازگشت یهود به عنوان یک ملت به فلسطین جوهر ایمان مسیحیت پروتستان است که بر اساس آموزه های تورات پدیدار گشته است. (هلال ۱۳۸۶: ۲۱۵). با توجه به عقاید و اعتقادات مذهبی

<sup>۷</sup>Wilson

<sup>۸</sup>Hal Lindsey

فوق، به وضوح مشخص است که روحیه مذهبی در حمایت گسترده ایالات متحده از رژیم صهیونیستی نقش گسترده ای داشته و امکان تضعیف و انفصال این پیوند ناگسستنی از سوی هیچ یک از رؤسای جمهور این کشور از ریگان و بوش راست گرا گرفته تا کلینتون و اوباماى دموکرات نه تنها ممکن نبوده بلکه همگی آن ها به ویژه روسای جمهور محافظه کار و متعلق به حزب جمهوری خواه خود را ملزم و پایبند به این امر می دانند. به عنوان مثال، جیمی کارتر در سال ۱۹۷۶ و پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری اعلام می کند که تاسیس اسرائیل نوین، تحقق پیشگویی های تورات است. ( هلال ۱۳۸۶: ۱۴۱ ). این امر در دهه هشتاد میلادی نیز با شدت بیشتری ادامه یافته به طوری که « پرستش اسرائیل » محور توجه رهبران کلیساهای پروتستان انجیلی در ایالات متحده قرار گرفته و بر نقش محوری اسرائیل در طرح خداوند برای پایان جهان و بازگشت دوباره مسیح تاکید می کردند. به عنوان نمونه، کشیشی به نام « جری فالویل » در یکی از برنامه های شبکه های مذهبی ایالات متحده این نکته را یادآور می شود که بر هر آمریکایی فرض است که در حد ممکن برای تضمین حمایت کامل از اسرائیل تلاش کرده و امکان گسترش اسرائیل از نیل تا فرات را فراهم کند؛ چرا که آن چه خداوند در ۳۰۰۰ سال پیش گفته، امروز و فردا هم وجود دارد (مبلغی ۱۳۹۱: ۱۵). اوانجلیست ها معتقدند مسیح همیشه در امور خاورمیانه به سود دولت اسرائیل مداخله کرده و اعلام می دارند که خواست دولت اسرائیل در حقیقت خواست مسیح می باشد و مذاکرات صلح در خاورمیانه بیهوده است و تأسیس کشور اسرائیل بزرگ از نیل تا فرات، خواست مسیح می باشد که به زودی عملی خواهد شد ( ضابط ۱۳۸۵: ۶ ).

به همین دلایل، راست گرایان مسیحی معتقد به این باور هستند که روند صلح با فلسطینیان از جمله موافقتنامه اسلو بی فایده است. نفوذ تبلیغات راست گرایان مسیحی در جامعه ایالات متحده به اندازه ای بوده است که مطابق با نظرسنجی خبرگزاری آسوشیتدپرس در سال ۱۹۹۷، بیست و پنج درصد از مردم آمریکا معتقدند که با آغاز هزاره سوم جنگ نهایی آرماگدون در محل فلسطین آغاز خواهد شد و این جنگ تا مدت هفت سال ادامه خواهد داشت. در اثر این جنگ دنیا نابود می شود و در پایان این جنگ هفت ساله که آنها آن را مصیبت بزرگ برای کلیسا و مسیحیان می دانند، مسیح همراه مسیحیان دوباره تولد یافته ظهور خواهد کرد و دجال را شکست می دهد و حکومت جهانی خود را با مرکزیت بیت المقدس تشکیل خواهد داد ( ضابط ۱۳۸۳: ۹ ).

اعلامیه بالفور (۱۹۱۷) و سپس تاسیس دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸، پروتستان های انجیلی و بنیادگرا را به این اعتقاد واداشت تا این رویداد را نشانه ای از صحت پیشگویی های تورات و بازگشت مجدد حضرت مسیح (ع) دانسته و بر این باور بودند که حمایت از دولت اسرائیل عامل تسریع کننده این فرآیند است. در راستای همین تعالیم دینی بود که جنگ ۱۹۶۷ به مثابه تکمیل طرح الهی برای اشغال باقیمانده سرزمین فلسطین و سایر سرزمین های عربی پنداشته شد (اکتار ۱۳۸۷: ۱۷۲). جیمز بالفور خود از تأثیرگذارترین مسیحیان انجیل گرا در انگلیس بود و در تحقق اهداف و تقدیرات الهی که از جمله آن ها بازگشت قوم یهود به سرزمین مقدس بود، تلاش زیادی داشت. وی در ۹ ژانویه ۱۹۰۶ و پس از دیدار با حییم وایزمن، رئیس سازمان جهانی صهیونیسم نوشت: « هیچ مانعی در دستیابی به فلسطین جز مسایل مالی نمی بینم (زاهدی ۱۳۸۷: ۴۶). ویلیام آی. کوکس نماینده وقت ایندیانا در کنگره پس از تأیید اعلامیه بالفور و بیانیه رئیس جمهور آمریکا، با رویکردی صهیونیستی می گوید: « همچنان که موسی بنی اسرائیل را از قید بندگی نجات داد، کشورهای متفق (متفقین) نیز امروز یهودیه را از دست ترک ها رها کردند و این پایان مناسبی برای جنپ جهانی است (همان: ۶۲). چنین تاکیدی از سوی « لابی مسیحی صهیونیستی » فعال در ایالات متحده بر میراث تورات موجب گشته است تا بسیاری از مسیحیان آمریکایی به خاورمیانه و درگیری های آن به عنوان انعکاس رویدادهای موجود در عهد عتیق بنگرند ( هلال ۱۳۸۶: ۱۳۸ - ۱۴۰ و ۱۷۶ ).

بنابراین، حمایت همه جانبه سیاست خارجی ایالات متحده از اسرائیل بیش از آن که ناشی از نفوذ گسترده لابی یهودی باشد، از باور مسیحیان صهیونیست نسبت به قدس به عنوان « محل حکومت هزارساله مسیح » نشأت گرفته است. این پشتیبانی اوانجلیست ها تا حدی پیش رفته است که حدود ۶۰ درصد از اوانجلیست ها هنگام تضاد منافع ایالات متحده و اسرائیل، معتقد هستند که منافع اسرائیل می بایست در اولویت قرار گیرد و به همین دلیل است که سیاست خارجی ایالات متحده به ویژه در قبال خاورمیانه هم راستا با عقاید این گروه های مسیحی بنیادگرا است ( Connolly 2016: 4 ).

#### ۴. لشگرکشی به خاورمیانه و تقابل با شوروی؛ جلوه ای خاص از نفوذ اوانجلیست ها

در نگاه بنیادگرایان مسیحی آمریکایی، خاورمیانه منطقه ای بسیار حساس و استراتژیک است و در حقیقت مکانی است که تمامی وقایع آخرالزمان در آنجا شکل خواهد گرفت. تشکیل حکومت یهودی در فلسطین، تهاجم نیروهای دجال از شرق (عراق و ایران) به اسرائیل، ظهور حضرت مسیح، جنگ مقدس آرماگدون و در نهایت تشکیل حکومت جهانی مسیح به پایتختی اورشلیم از جمله وقایعی است که در خاورمیانه رخ خواهد داد و این وقایع جزء اصول اعتقادی بنیادگرایان مسیحی آمریکاست ( Lindsay 1970: 42-43 ). گریس هالسل در باب توجه موعودگرایان پیروان کلیسای انجیلی به این منطقه در کتاب خود می نویسد: « هر بار که اعضای شورای امنیت ملی جهت تصمیم گیری راجع به خاورمیانه دور هم جمع می شوند، نماینده کلیسای انجیلی جهت تطبیق تصمیمات با پیش گویی های تورات و تفاسیر جدید این کلیسا دعوت می شود » ( زاهدی ۱۳۸۷: ۲۶ ).

در سال ۱۹۹۰ میلادی نیز که منطقه خاورمیانه با حمله ناگهانی عراق به کویت مجددا ملتهب شد، راست گرایان مسیحی بر اساس باورهای دینی خویش که برگرفته از کتاب مقدس است، سناریویی را تبلیغ می کردند که مطابق آن، صدام حسین همان مسیح دجال است که روس ها او را در جنگ بر ضد اسرائیل حمایت کرده و زمینه برای نبرد هرمجدون میان نیروهای خیر ( آمریکا و اسرائیل ) و نیروهای شر ( مسیح دجال، اعراب و روس ها ) جهت پایان تاریخ و ظهور مسیح فراهم خواهد شد ( Judis 2005: 6 ). مکاشفات یوحنا در مورد اهمیت خاورمیانه به ویژه عراق و رودخانه فرات در نبرد آرماگدون بیان می کند: « فرشته ششم جامش را بر رودخانه بزرگ فرات خالی کرد و آب رودخانه خشک شد. به طوری که پادشاهان، مشرق زمین توانستند نیروهای خود را بدون برخورد با مانع به سوی غرب ببرند، و دیگر فرشتگان در شیپورها می دمند هنگامی که نیروها برای نبرد حق و باطل جمع می شوند. ایلکر چینار، اسقف سابق کلیسای جهانی پروتستان که تا چندی قبل کشیش جرج دبلیو بوش نیز بوده است، در مورد اهمیت « ارض موعود » یا « سرزمین انجیل » که مطابق با اعتقادات انجیل گرایان مسیحی منطقه غرب آسیا است، می گوید: « بوش با سر و جان خود در حال ترویج و توسعه بشارت خونین در سرزمین های اسلامی است. در واقع، طرح خاورمیانه بزرگ برای به دست آوردن سرزمین انجیل است. بوش، مبلغان ایوانجلیست را به عنوان سربازان جنگ صلیبی معرفی می کند که در حال تدارک جنگ صلیبی جدید علیه مسلمانان هستند ( شفیعی سروستانی ۱۳۹۰: ۵۰ ). این سوء استفاده صلیبیون مسیحی از متون تحریف شده کتاب مقدس آن جا اوج می گرفت که بر دیوارهای اردوگاه های سربازان آمریکایی در عراق، تصویری از نزول اجلال مسیح در هنگام وقوع جنگ مجعول آرماگدون نقش بسته بود و ادعیه و اذکار دینی نیز بر سلاح سربازان این کشور حک شده بود ( همان: ۵۵ ). فالول با رویکرد آخرالزمانی به لشگرکشی دولت نتوکان بوش به عراق در سال ۲۰۰۳، بر این باور بود که: « ما باید به جنگ عراق برویم تا حوادث مصیبت باری را به راه اندازیم که موجب فراهم شدن دومین ظهور حضرت مسیح شود و جنگ با عراق به پایان روزگار منجر خواهد شد ». این امر زمانی روشن می شود که بر اساس آمایش مؤسسه پیو در سال ۲۰۱۸، ۸۹ درصد جمهوری خواهان که تحت نفوذ راست مسیحی است، در



سال ۲۰۰۳ استفاده از نیروی نظامی را در حمله به عراق تأیید می کردند در حالی که همین نسبت در میان لیبرال های دموکرات حدود ۵۳ درصد برآورد می شد (Oliphant 2018: 2).

گسترده‌گی این تفکر به اندازه ای بود که ریگان نیز آمادگی خود را برای شعله ور ساختن یک نبرد آرمگدون هسته ای در صورت حمله اعراب با همراهی روس ها به اسرائیل اعلام نمود. وی در این باره طی نطقی معروف به این موضوع اشاره می کند که من از خدا می خواهم به من این توفیق را بدهد که کلید شلیک موشک هسته‌ای را من فشار دهم تا جنگ آرمگدون آغاز شود. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ نیز صحنه دیگری از نقش آفرینی بنیادگرایان در تاریخ آمریکا به حساب می آید. هری ترومن، رئیس جمهور باپتیست آمریکا در رابطه با کمونیسم و خطر موسکو می گوید: «کمونیسم ارزش های روحی ستیزه جویانه را در جان و روح بشریت می نشاند» (هلال ۱۳۸۳: ۲۷۸). جورج بوش، رئیس جمهور وقت ایالات متحده که نامزد گروه نومحافظه کاران و از پیروان این مکتب دینی به ویژه فرقه مشیت گرایی بود و دوران ریاست جمهوری وی اوج فعالیت راست گرایان مسیحی جهت انجیلی کردن جهان و انجام رسالت الهی به شمار می آید (Ben Barka 2012: 7)، جهان را به نظم نوین جهانی فراخواند که مسیحیت یهودی آن را به مثابه دعوت به برقراری یک «حکومت جهانی» به شمار آورد که دارای ارتشی به فرماندهی سازمان ملل بوده و خود را برای نبرد با نیروهای شر که درصدد هجوم به اسرائیل و رویارویی با فرزندان خداوند هستند، آماده می کند (عباسی اشلقی ۱۳۸۵: ۱۴۶).

او به دنبال عقاید مذهبی خود، ایران و عراق و کره شمالی را محور شرارت و شیطان می خواند و ایالات متحده را به عنوان منجی عالم در مقابل آن ها معرفی می کرد. میزان تأثیر پذیری جرج بوش پسر از راست گرایان مسیحی به اندازه ای بود که بر اساس مطالعات به عمل آمده، بنیادگرایان مسیحی (مبلغان انجیل) و لابی افراطی یهودی مهم ترین عوامل در جهت گیری سیاست خارجی ایالات متحده بودند (مبلغی ۱۳۹۱: ۱۲).

بوش پسر رویکرد بنیادگرایانه خود در قبال خاورمیانه را بدین صورت شرح می دهد خداوند از من خواست تا طالبان را از بین ببرم و من چنین کردم. سپس او مأموریت نابودی صدام و آزادی عراق را نصیب من کرد و من نیز قادر به انجام آن شدم و اکنون او از من می خواهد که مسئله اسرائیل و فلسطین را حل کنم و به طور قطع چنین خواهم کرد» (عبد الله خانی ۱۳۸۳: ۳۴). همچنین ولیام بوی کین مشاور وزیر دفاع کابینه بوش همین معنا را به بیانی دیگر ذکر کرد. وی در سال ۲۰۰۳ اعلام کرد که این جنگی است برای ارواح ما، دشمن ما نامش شیطان است ... شیطان می خواهد ما را به عنوان یک ملت و به عنوان ارتشی مسیحی نابود کند (عزیزخانی ۱۳۸۹: ۴).

او همچنین به این امر اعتقاد داشت که هر کشوری در مناطق مختلف جهان یا همراه با ایالات متحده و یا در همکاری با تروریسم است (Garfinkle 2018: 7). بنابراین، به دلیل همین باورها و روحیه دینی جرج بوش بود که رهبران گروه های مختلف بنیادگرا در ایالات متحده اعلام داشتند دکترین بوش سیاست خارجی خداوند بوده و وجود او تجلی اراده الهی است. علاوه بر آن، راست گرایان مسیحی که در حقیقت ادامه نسل پیوریتن های مهاجر بود، توانسته اند همانند اجداد خود و با حمایت گسترده یهودیان و فراماسون ها در بسیاری از مؤسسات تأثیرگذار ایالات متحده همچون شورای روابط خارجی (CFR)، روزنامه نیویورک تایمز و حتی سازمان ملل نیز نفوذ کرده و موجب پشتیبانی آن ها از تقویت اسرائیل و تشکیل حکومت واحد جهانی شوند (اکتار ۱۳۸۷: ۸۱).

شروع جنگ سرد و نزاع ایدئولوژیک میان ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی که در واقع تقابل کمونیسم و لیبرالیسم بود، موجب شد که رهبران آمریکایی بار دیگر از مفهوم «مانیفست» به عنوان یکی از مبانی اعتقادی پیوریتن های مهاجر و ایوانجلیست های فعلی که در تشکیل ایالات متحده و گسترش اراضی آن نقش گسترده ای داشته و بر «برگزیدگی مردم این کشور» تاکید می کرد، استفاده ابزاری کنند (Kirby 2017: 2) و با ایجاد جبهه حق و باطل، جنگ با کمونیسم را «جنگ صلیبی برای آزادی» خوانده (عزیزخانی ۱۳۹۰: ۱۱) و شوروی را مصداق امپراتوری شیطان بدانند. مخالفت مسیحیان انجیل گرا ضمن دارا بودن از جنبه ای دینی، از این باور ناشی می شد که کمونیسم به انکار وجود خدا می پردازد و چون این امر به نفع سیاست های راهبری ایالات متحده علیه رقیب شرقی خود بود، اقدام به پشتیبانی مالی و تبلیغاتی از بنیادگرایان کردند (زاهدی ۱۳۸۷: ۷۰). حال لیندسی در کتاب معروف خود "سیاره بزرگ و فقید زمین" که در سال ۱۹۷۰ به چاپ چند میلیونی رسید، پیرامون نقش شوروی در تقدیرات آخرالزمان می گوید: «سربازانی از شمال با رهبری شیطان و همراهی یاجوج و ماجوج برای نابودی انجیل حزقیال نبی روانه می شوند». از دیدگاه وی، اعراب و روس در زمان وقوع نبرد آرماگدون علیه مسیح با یکدیگر متحد می شوند (Goodman 1984: 2). دهه ۱۹۶۰ میلادی دوره ای بود که او انجلیک های پروتستان با راه انداختن کمپین «جواب به کمونیسم» کمک زیادی به دولت آمریکا کردند.

دولتمردان حاضر در واشینگتن به ویژه رئیس جمهور ترومن با تبلیغات گسترده رسانه ای این گونه به اذهان عمومی القاء کردند که خداوند پشتیبان ایالات متحده و بلوک غرب در این جنگ است و در این راستا بود که اتحاد جماهیر شوروی را «شیطان» لقب می دادند (Magee 2017: 4) و هدف خود از تقابل با شوروی را «گسترش فرهنگ غربی و مسیحیت اصیل» به عنوان مأموریتی الهی بیان می کردند (Kirby 2017: 3). این باورهای دینی موجب گردید نیروهای نظامی ایالات متحده به این جنگ رنگ و بوی دینی داده و موشک های هسته ای قاره پیمای خود را «شمشیرهای جنگ مقدس» بر ضد دجال (روسیه) نام گذاری کنند (منصوریان ۱۳۸۳: ۲۲۶).

## ۵. اسلام؛ منشأ خشونت جهانی در نگاه ایوانجلیست ها

بنیادگرایان ایالات متحده، اسلام و مسلمانان را به مثابه منشأ کلیه جنگ ها و خصومت های جهانی در نظر می گیرند که این دیدگاه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر نیز به شدت در میان او انجلیست ها تقویت شده است. بر اساس نظرسنجی مؤسسه "بیلیف نت" در سال ۲۰۰۳، ۷۷ درصد از کشیشان مسیحی پروتستان نگاهی منفی نسبت به اسلام داشته و آن را دین خشونت می دانستند. پیروان این گروه «تروریسم تکفیری» و «اسلام» را به یک معنا پنداشته و معتقدند که دین اسلام همان «شیطان» است (McMahon 2006: 6). خطر اسلام در سه بعد: ۱- تخریب اسرائیل را هدف دارد (کوه هیکل را اشغال و مسجد الاقصی را بنا کرده) ۲- مانع خیزش و گرایش ملل عربی به سمت مسیح منجی است ۳- تبشیر، تبلیغ و رسالت جهانی.

دیدگاه بنیادگرایان مسیحی در مورد اسلام به اندازه منفی است که یکی از رهبران این جریان به نام جری فالول در سال ۲۰۰۰ و طی مصاحبه با شبکه CBS به این امر اشاره می کند پیامبر اسلام بر خلاف مسیح، نماد خشونت بوده و دین او نیز

\*Manifest Destiny

\*Evil

\*Jerry Falwell

دستور به نابودی تمامی غیر مسلمانان دنیا می دهد (Bhatia 2016: 1-2). فرانکلین گراهام از رهبران جریان مسیحیت صهیونیستی نیز در آن زمان، اسلام را دین شرارت و نفرت اعلام می کند تا جواز هتک حرمت به حرمین کربلا و نجف برای بوش فراهم شود (شفیعی سروسستانی ۱۳۹۰: ۱۲۶). این دیدگاه افراطی از اسلام و پیامبر اعظم (ص) علاوه بر سطح نظری در بعد عملی و سیاست خارجی ایالات متحده دولت های ایالات متحده در طول ادوار مختلف نیز بازتاب بسیاری پیدا کرده است به گونه ای که پس از مطرح شدن نظریه برخورد تمدن ها توسط هانتینگتون، عده ای سراغ "تهدید سبز" اسلامی رفتند و آن را جایگزین "تهدید سرخ" شوروی گردانیدند. امروزه نیز مرکز ثقل تهدیدات جغرافیایی تغییر یافته و به سمت جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا انتقال یافته است.

واقعه ۱۱ سپتامبر در حقیقت نقطه عطفی در نحوه نگرش جناح راست مسیحی به دین اسلام پدید آورد. بدین معنا که پیش از این حادثه و به طور خاص در دهه ۱۹۹۰ میلادی، بیشتر تلاش های بنیادگرایان پروتستان با هدف تبلیغ مسیحیت و انجیلی کردن جهان انجام می شد که این امر بر نقد تعالیم اسلامی نسبت به مسیحیت (همچون تثلیث و ...) و نزاع ایدئولوژیک استوار بود ولی پس از ۱۱ سپتامبر، تلاش های این گروه به سمت خشن جلوه دادن اسلام و پیروان آن معطوف شد.

#### ۶. نقش آفرینی بنیادگرایان در دوران مدرن

ایالات متحده از سال ۱۹۷۶ میلادی شاهد رشد و گسترش جریان راست مسیحی که از آن به مسیحیت سیاسی و بنیادگرا نیز تعبیر می شود، بوده است. از جمله مظاهر این احیای دینی، غسل تعمید مجدد حدود یک سوم مردم آمریکا بر اساس نتایج نظرسنجی موسسه گالوپ بود. علاوه بر آن، در این دوران پیروان کلیساهای افراطی افزایش یافت، شبکه های تلویزیونی مذهبی تالیس و سازمان های راست مسیحی با عناوین مختلف هم چون «ائتلاف مسیحی» به وجود آمدند. گفتمان تمامی سازمان ها و مراکز فوق، آماده ساختن آمریکا برای بازگشت مجدد مسیح و پایان جهان بود و در این راستا نیز بر مواردی مانند جلوگیری از سقط جنین، تحریم همجنس بازی و وحدت میان کلیسا و دولت تاکید می کردند (Marsden 2010: 1).

در اوج این حرکت، اعتقاد به «هزاره گرایی انجیلی» و بازگشت مجدد مسیح قوت گرفته و بازگشت یهودیان به قدس پس از جنگ ۱۹۶۷ نیز نشانه ای از صحت پیش گویی های تورات و آخرین گام پیش از بازگشت حضرت عیسی مسیح (ع) تلقی گردید. رشد جریان راست مسیحی در دهه هشتاد و نود میلادی نیز ادامه یافت به گونه ای که ایالات متحده در دهه هشتاد و نود میلادی، با پدیده ای به نام «حزب الله آمریکا» روبرو شد که در حقیقت ناشی از ائتلاف پروتستان های انجیلی و حزب جمهوری خواه بوده است. در راستای همین عقاید دینی بود که رونالد ریگان در جریان مبارزات انتخابات ریاست جمهوری به عنوان نامزد حزب جمهوری همواره بر شعار «انجیل تنها راه حل است» تاکید می کرد (هلال ۱۳۸۶: ۲۳ - ۲۴ و ۲۱۵).

ریگان که از او به عنوان بنیادگرا و مذهبی ترین رئیس جمهور تاریخ ایالات متحده یاد می شود، در دوران ریاست جمهوری خود اقداماتی همچون پیگیری پروژه جنگ ستارگان، بمباران شهر طرابلس، مداخله نظامی در لبنان به طرفداری از اسرائیل، ربودن هواپیمای مصری، ساقط کردن جنگنده لیبیایی و تصرف نظامی گرانادا و پاناما را انجام داد که همگی با پشتوانه اعتقادی وی به عنوان یک مسیحی بنیادگرا به وقوع پیوست (عزیزخانی به نقل از متقی ۱۳۷۶: ۷۶-۷۷).

او همچنین طی خطابه ای در سال ۱۹۸۳ پیرامون اهمیت کتاب مقدس به این موضوع اشاره می کند که در میان دو ورقه مقوایی که این کتاب منحصر به فرد (کتاب مقدس) را در میان گرفته اند، پاسخ همه پرسش ها و همه مسئله هایی که امروز در برابر ما قرار گرفته اند، وجود دارد (Inboden 2008: 258). برنامه کار مسیحیت سیاسی و بنیادگرانه، نه تنها بر آماده سازی

آمریکا برای بازگشت مسیح تاکید می کند بلکه متضمن رسالت صلیبی جهانی است که علاوه بر نقش آفرینی در انتخابات و سیاست داخلی ایالات متحده، در سیاست خارجی این کشور نیز تاثیر گسترده ای داشته است؛ به عنوان نمونه، مسیحیت سیاسی در پشت حمله به سازمان ملل و صندوق اسکان سازمان ملل قرار داشته است چرا که در حقیقت آن را جزئی از رسالت خویش برای آماده سازی جهان جهت پایان تاریخ و بازگشت مجدد حضرت عیسی (ع) می پنداشتند ( هلال ۱۳۸۶: ۳۹).

از سال ۱۹۸۰ میلادی جریان راست مسیحی توانست از طریق پیوند با راست سیاسی به درون حزب جمهوری خواه راه یافته و با تشکیل ائتلاف راست مسیحی، نقش گسترده ای را در تعیین و پی ریزی اهداف سیاست خارجی ایالات متحده داشته است. این گروه که اکنون علاوه بر مسائل داخلی و اخلاقی، وارد موضوعات مربوط به سیاست خارجی آمریکا نیز شده بود، تلاش زیادی جهت افزایش قدرت دفاعی و توان هسته ای این کشور می کرد. در تمامی سال های دهه ۱۹۸۰، سازمان های پروتستان انجیلی حملات تبلیغاتی زیادی را در حمایت از رژیم سیاسی این کشور به راه انداختند. در آفریقای جنوبی، اقدامات روانی گسترده ای را بر ضد کنگره ملی آفریقا و در راستای حمایت از رژیم نژادپرست ترتیب دادند. علاوه بر آن، سازمانی تحت عنوان « اکثریت اخلاقی » اعضای خود را برای یک حمله صلیبی بر ضد توقف فعالیت های هسته ای بسیج نمود و رئیس این سازمان، مقاله ای تحت عنوان « جنگ هسته ای و بازگشت مسیح » منتشر ساخت که مطابق آن، جنگ هسته ای علیه اتحاد جماهیر شوروی با آمدن دوباره مسیح پیوندی خورده است. بر اساس باور اعضای این گروه، جهان در انتظار « جنگ آرمگدون هسته ای میان نیروهای خیر و شر است ». برنامه سازمان اکثریت اخلاقی که در حقیقت شاخه ای از مسیحیت بنیادگرا است، همانند سایر گروه های مشابه، حمایت گسترده و بی قید و شرط از اسرائیل است به گونه ای که رهبر این سازمان به نام « جری فالویل » در این رابطه این نکته را ذکر می کند که تاسیس دولت اسرائیل وعده خداوند به ابراهیم از چهار هزار سال قبل می باشد. بدین خاطر، ایالات متحده نباید در حمایت و پشتیبانی کامل مالی و نظامی از اسرائیل تردید کند ( Goldberg ۲۰۰۲: ۱) و در همین راستا بوده است که آمریکا طی ۱۰ سال اخیر و به منظور پیشبرد اهداف راهبردی خود در خاورمیانه، ۳۷ میلیارد دلار در قالب کمک های نظامی در اختیار تل آویو قرار دهد ( Kirchick 2019: 1 ) و اسرائیل را با دریافت یک پنجم از کمک های خارجی واشینگتن، در صدر این فهرست قرار دهد. بر اساس توافقنامه ای که در حوزه کمک های نظامی خارجی برای بازه زمانی ۲۰۱۹-۲۰۲۸ در سال ۲۰۱۶ به امضاء اوباما رئیس جمهور وقت رسید، این کشور میزان کمک های نظامی خود به اسرائیل را از ۳ میلیارد دلار سالانه به بیش از ۳/۸ میلیارد دلار افزایش خواهد داد و ۲۲ درصد از کل بودجه نظامی اسرائیل را تشکیل می دهد ( Plitnick 2019: 2).

به طور کلی و بر اساس آمارهای به دست آمده حدود ۲۵۰ سازمان مسیحی بنیادگرا و صهیونیست که بر ضرورت حمایت گسترده از اسرائیل به عنوان رسالتی الهی در کنار تعهد سیاسی تاکید می کنند، وجود دارد که همگی آن ها لابی صهیونیست را به منظور پشتیبانی از تاسیس دولت اسرائیل و به دنبال آن تثبیت موقعیت این کشور با هدف تحقق پیشگویی های تورات و سلطه اسرائیل بر قدس به عنوان گام ماقبل ظهور مجدد حضرت مسیح(ع) ایجاد کردند. بنابراین، این گروه ها جانبداری خویش از اسرائیل را پیش از آن که بر مبنای اصول راهبردی و سیاسی بنیان کنند، بر پایه ایمان الهی و بنیان های فرهنگی بنا کردند و همین بنیان معنوی و فرهنگی است که موجب افزایش نفوذ اسرائیل و لابی یهودیان صهیونیست در ایالات متحده گردیده است ( هلال ۱۳۸۶: ۱۸۷-۱۸۸ ).

بنابراین، پیروزی رؤسای جمهور مختلف ایالات متحده بدون حمایت جناح راست مسیحی به دلیل نفوذ گسترده آن ها در جامعه مدنی و سیاسی این کشور امکان پذیر نیست. نمونه این امر را می توان در عدم حمایت محافظه کاران مسیحی طرفدار

اسرائیل در دور دوم ریاست جمهوری کارتر مشاهده کرد که رهبران اوانجلیست به دلیل نگرانی از صلح اعراب و اسرائیل با وساطت کارتر، حاضر به پشتیبانی از او نشدند (امین الدین ۱۳۹۴: ۲).

در مبانی اعتقادی مسیحیان بنیادگرا علاوه بر لزوم پشتیبانی گسترده از دولت اسرائیل جهت زمینه سازی ظهور مجدد حضرت مسیح(ع)، ضدیت شدید با اسلام نیز جایگاهی ویژه ای دارد. این موضوع را می توان به وضوح در اشغال دو کشور اسلامی عراق و افغانستان در زمان ریاست جمهوری بوش (WaldmanStaff 2004: 1)، اخراج مسلمانان از آمریکا و بازگذاشتن دست شارون نخست وزیر اسرائیل در کشتار فلسطینیان مشاهده کرد که ناشی از آموزه های انجیل گرایان و نفوذ آن ها در دستگاه دیپلماسی ایالات متحده بوده است و پس از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر نیز با ارائه دلایل واهی، تقویت شده است (McMahon ۲۰۰۶: ۱). این گروه با بیان این که نظرات القاعده همسو با مبانی اسلامی بوده و مسلمانان وارد جنگ با مسیحیت شده اند، مبارزه با تروریسم را در حقیقت جنگ میان نیروهای خیر (ایالات متحده) و نیروهای شر (اسلام) معرفی کرده و سخن از جنگ صلیبی دیگری میان مسیحیت و اسلام به میان آورد (هرمزی ۱۳۸۷: ۳).

در این رابطه، مسئولان وزارت خارجه و دفاع آمریکا در توجیه حمله این کشور به عراق به این نکته اشاره می کردند که برای تعجیل ظهور مسیح باید کشور بابل و رودخانه فرات خشک گردد که ناشی از تفسیر انجیل گرایان مسیحی از آیه ۱۲ باب ۱۶ مکاشفه یوحنا بوده است (مبلغی ۱۳۹۱: ۱۱ و ۱۴) و یا عملیات توفان صحرا علیه عراق در سال ۱۹۹۱ را در حقیقت مقدمه ای برای جنگ جهانی مقدس می دانستند (میرزایی مقدم و ستایش ۱۳۹۱: ۱۱).

همچنین مسیحیان صهیونیست در تلاش هستند تا حوادث آخرالزمان را با حوادث دنیای معاصر تطبیق دهند به گونه ای که لشگرکشی آمریکا به عراق و افغانستان و نیز دستیابی ایران به فناوری هسته ای را نشانه وقوع زودرس جنگ آرماگدون می دانند (اکتار ۱۳۸۷: ۱۷۸). بنابراین، واضح است که رهبران ایالات متحده، لشگرکشی های نظامی خود را با توجه «رسالت نجات بشریت» و استفاده از مفاهیمی همچون «امپراتوری، محور شرارت و تروریسم» توجیه کرده اند (شعبان ۱۳۹۲: ۵).

علاوه بر موارد فوق، تأثیرگذاری اوانجلیست ها بر سیاست خارجی ایالات متحده در برخی از رویدادهای تاریخی به وضوح قابل مشاهده است که از جمله آن ها عبارت اند از:

- انعقاد پیمان صلح میان سودان شمالی و جنوبی با وساطت آمریکا در سال ۲۰۰۵
- تأکید بر ضرورت آزادی های مذهبی بین المللی و فشار آوردن به دولت ایالات متحده به ویژه در زمان ریاست جمهوری بوش که منجر به تشکیل اداره ای به همین نام در سال ۱۹۹۸ گردید و کشورهای متخلف را تحت تحریم های اقتصادی و اقدامات تنبیهی قرار می دهد (McMahon 2006: 3,4).

## ۷. لابی یهودی و سیاست خارجی ایالات متحده

اگر چه بر اساس نظرسنجی ها یهودیان حدود ۲ درصد از جمعیت ایالات متحده (۵/۵ تا ۵/۸ میلیون نفر) را تشکیل داده و اقلیتی دینی در این کشور به حساب می آیند (Newport 2019: 3) ولی در عین حال قدرتمندترین و فراگیرترین گروه و لابی تأثیرگذار بر سیاست خارجی این کشور به شمار می روند و در پشتیبانی همه جانبه از هم کیشان صهیونیست خود در سرزمین های اشغالی اتفاق نظر دارند. بر اساس نظرسنجی انجام شده در سال ۲۰۱۸، ۸۳ درصد یهودیان آمریکایی از امنیت اسرائیل به عنوان یکی از اولویت های خود و از لوازم بهبود جایگاه یهودیان در سطح جهان در بلندمدت یاد می کنند و راه حل تشکیل دو دولت را بهترین طریق ممکن برای پایان دادن به منازعه اسرائیلی-فلسطینی می دانند (Maltz 2019: 3).

یهودیان اقلیتی ثروتمند در ایالات متحده متحد به گونه ای که ۴۰ درصد از ۴۰۰ خانواده متمول آمریکایی، یهودی هستند ولی قدرت نفوذ یهودیان در ایالات متحده صرفاً محدود به بنیه اقتصادی آن ها نیست، بلکه عامل اصلی موفقیت آن ها سیاست و تبلیغات سرمایه گذاری و همچنین باورهای دینی مردم این کشور بوده است (اکتار ۱۳۸۷: ۹۵).

در این رابطه، یک کشیش مسیحی به نام دزموند توتو در سال ۱۹۸۴ و هنگام دریافت جایزه صلح نوبل می گوید مسأله وضعیت اسرائیل در آمریکا همیشه در صدر مسائل مهم این کشور بوده است و اگر کسی از آن انتقاد کند به دشمنی با قوم یهود متهم می شود چرا که قدرت لابی صهیونیستی در آمریکا بسیار قوی است (سید نوری ۱۳۹۴: ۱۳۰). به عنوان مثال، یهودیان حدود ۶۰ درصد از هزینه های تبلیغاتی کمپین دموکرات ها را در تمامی ادوار ریاست جمهوری تأمین کرده اند که این میزان ۳۰ برابر بیش از جمعیت آن ها است. این موضوع، در رابطه با جمهوری خواهان نیز صادق است و آنها علاوه بر تعهد اخلاقی و دینی به اسرائیل، از لحاظ اقتصادی نیز خود را مدیون لابی یهود می دانند. عامل دیگر قدرت یابی یهودی در ایالات متحده، سازماندهی مناسب و مشارکت بالا در انتخابات است؛ به همین دلیل هر یک از رؤسای جمهور خود را نیازمند آرای این اقلیت دینی و به دنبال آن وامدار آن ها می داند. گروه های مختلف یهودی فعال در ایالات متحده اگرچه اختلاف نظرات زیادی با یکدیگر دارند، ولی وجه مشترک همگی آنها «حمایت از رژیم صهیونیستی» است و تمام تلاش خود را برای جذب منابع و افکار آمریکایی به این موضوع معطوف می دارند. نمونه این فعالیت ها را می توان در گروه های فشار یهودی به خصوص «کمیسون امور عمومی آمریکا- اسرائیل» (AIPAC) مشاهده کرد. این سازمان که در سال ۱۹۵۹ تشکیل شد و مادر تمام ۳۰۰ سازمان یهودی آمریکا به حساب می آید، دارای نفوذ ویژه ای در میان سیاستمداران و اعضای کنگره ایالات متحده است به شکلی که مجله این سازمان، معتبرترین منبع اطلاعاتی برای نمایندگان نهاد قانونگذاری آمریکا به شمار می رود (محمد صالح ۱۳۸۶: ۲-۳).

ارنست هولینگر سناتور سابق دموکرات در مورد نفوذ لابی یهودی در کنگره می نویسد به جز راه کارهای سیاسی که از طرف آپیک در اینجا به شما ارایه می شود، شما نمی توانید رویکرد سیاسی دیگری را در مورد اسرائیل داشته باشید (مرشایمر و والت ۱۳۸۵: ۲). علاوه بر آن، در نشستهای غیر علنی کنگره نیز همیشه یکی از اعضای فراکسیون حمایت از اسرائیل شرکت دارد و دستور کار کنگره را به صورت مستمر مطالعه می کند تا اگر نکته نگران کننده ای وجود داشته باشد، کمیته آپیک را مطلع کرده و این کمیته برای رفع نگرانی ها به دیدار اعضای کنگره برود (خبرگزاری تسنیم ۱۳۹۵: ۲).

این سازمان همچنین مسئولیت هماهنگی سایر اتحادیه های یهودی آمریکا را بر عهده داشته و با همراهی ۶۰ لابی دیگر، درصدد جمع آوری کمک های مالی و تسلیحاتی برای اسرائیل است. لابی یهودی علاوه بر نفوذ گسترده در ساختار سیاسی ایالات متحده، توانسته است تا با استفاده از ظرفیت رسانه ای موجود به ویژه برنامه های تلویزیونی و رادیویی، افکار عمومی را نیز تحت تأثیر خویش قرار داده و آن را به سمت حمایت مالی و عقیدتی از اسرائیل سوق داده است. شبکه های تلویزیونی پرمخاطب در ایالات متحده همچون NBC و CBS تحت حمایت مالی گسترده یهودیان این کشور است. همچنین، مرکز سینمایی هالیوود که بیشترین نفوذ را در جامعه ایالات متحده دارد، رساترین تریبون صهیونیسم در ایالات متحده به شمار می رود (قنبری آلتق ۱۳۸۸: ۳).

همچنین لابی اسرائیلی توانسته است که با حمایت مالی از اندیشکده ها و مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی همانند امریکن اینترپرایز، مرکز سیاست امنیتی، موسسه تحقیقات سیاست خارجی، بنیاد هریتیج، موسسه هودسون و موسسه امور امنیت ملی یهودیان به تولید محتوا در زمینه لزوم حمایت همه جانبه از اسرائیل بپردازد (ثمودی ۱۳۹۳: ۲). میزان تأثیرگذاری «آپیک» بر دستگاه سیاست خارجی ایالات متحده به اندازه ای است که حمایت از اسرائیل امری مفروض پنداشته می شود. به عنوان

مثال، هنگامی که جیمی کارتر می‌خواست جرج بال را نخستین وزیر خارجه خود کند، اما پس از اینکه فهمید، بال منتقد اسرائیل است و لابی مذکور با این انتصاب مخالفت خواهد کرد، از اقدام خود منصرف شد (مرشایمر و والت ۱۳۸۵: ۴).

### نتیجه‌گیری:

گروه‌های بنیادگرا با اتکا به آموزه‌های دینی خویش طی دهه‌های اخیر وارد عرصه سیاست گشته و نوعی اتحاد میان راست مسیحی و راست محافظه‌کار را پدید آورده‌اند. جناح راست مسیحی مبتنی بر باورهای خود در این مسیر، راهبردهایی متمایزی را از دیگر گروه‌های سیاسی در حوزه داخلی و خارجی پیش گرفته است. این گروه‌ها در عرصه سیاست خارجی با سایر گروه‌های همسود در آمریکا همچون لابی یهودی، آپیک و دیگر سازمان‌های صهیونیستی همکاری نزدیکی دارند. حمایت تام و همه‌جانبه از قوم برگزیده به زعم خودشان یعنی اسرائیل، مقابله با اسلام به عنوان شیطان و نیروی شر و اقدامات توسعه‌طلبانه و لشگرکشی به خاورمیانه به عنوان محل وقوع آرماگدون مهم‌ترین آموزه‌های دینی گروه‌های بنیادگرای مسیحی در آمریکا هستند که سیاست خارجی این کشور را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

### منابع و مراجع:

#### الف) فارسی

- ابعاد پشت‌پرده و سازوکار فعالیت لابی‌های صهیونیستی در جهان؛ ۱۲ خرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در لینک زیر: ابعاد-پشت-پرده-و-سازوکار-فعالیت-لابی-های-صهیونیستی-در-جهان  
[www.tasnimnews.com/fa/news/1395/03/12/1090135](http://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/03/12/1090135)
- احمدوند شجاع، عزیز خانی احمد؛ آخرالزمان در نگاه مکتب صهیونیسم مسیحی. فصلنامه علمی- پژوهشی مشرق موعود، ۱۳۸۹، سال چهارم، شماره ۱۴.
- اکتار، عدنان، ۱۳۸۷، ترجمه صاحب خلق، نصیر؛ تاریخ ناگفته و پنهان آمریکا، تهران: هلال
- امین الدین، الحاج، ۱۳۹۴؛ نقش دین و آخرالزمان در سیاست آمریکایی، قابل دسترسی در لینک زیر:  
<https://mubareza.com/?p=1093>
- ثمودی، علیرضا، ۱۳۹۳؛ نقش آشکار لابی صهیونیستی در آمریکا، روزنامه جام جم، ۱ مرداد ۱۳۹۳، قابل دسترسی در لینک زیر:  
<http://jamejamonline.ir/Shared/NewsPrint/1579253959277373326>
- زاهدی، سعید (۱۳۸۷)، با مسیح می‌آییم: گذری بر برنامه‌ها و فعالیت‌های مسیحیت صهیونیستی، تهران: دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی
- سائزر، استیون، ۱۳۸۵، پیش‌گویی‌ها و آخرالزمان، «معبد یهودی مسیحیان صهیونیسم»، ترجمه: فاطمه شفیعی سروستانی، تهران: انشارات موعود

- شعبان فؤاد، ترجمه فرحزادی یاسر، ۱۳۹۲؛ نقش مذهب در زندگی آمریکایی، قابل دسترسی در لینک زیر:  
<http://rasekhoon.net/article/show/720059>/نقش-مذهب-در-زندگی-آمریکایی
- شفیعی سروستانی، اسماعیل (۱۳۹۰)؛ مسیحیان صهیونیست و عملکرد آنان در شرق اسلامی، تهران، هلال
- شیروودی، مرتضی، ۱۳۸۷؛ غرب مسیحی، جهان اسلام و نبرد آخر الزمان، اندیشه تقریب، شماره ۱۴، صص ۸۳-۱۱۲.
- ضابط، حیدر رضا، ۱۳۸۵؛ تبلیغات دینی و سیاسی ایوانجلیست‌های جنگ طلب در ایالات متحده آمریکا، ماهنامه موعود، شماره ۵۵.
- عباسی اشلقی، مجید، ۱۳۸۵؛ نگرش ابزاری به مذهب در سیاست خارجی آمریکا، فصلنامه مطالعات عملیات روانی، شماره ۱۳ (صفحات ۱۴۱-۱۵۶).
- عبد الله خانی، علی، ۱۳۸۳؛ کتاب آمریکا (۴) (ویژه نومحافظه کاران در آمریکا)، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- عزیزخانی، احمد، ۱۳۹۰؛ تأثیر بنیادگرایی مسیحی بر سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا، مجله معرفت سیاسی، شماره ۵ (صفحات ۱۶۳-۱۹۲)، قابل دسترسی در لینک زیر: <http://www.mouood.org/component/k2/item/10465>
- قنبری آلاق، محسن، ۱۳۸۸؛ بنیادهای سیاسی جنبش صهیونیسم مسیحی و انگاره موعودگرایی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- لایدینز، دن، ترجمه زعفرانی، قیس؛ بازتاب بنیادگرایی آمریکایی در سیاست خارجی آمریکا. مجله موعود، ۱۳۸۳، شماره ۴۳.
- لوران، اریک، ۱۳۸۲، ترجمه میرفندرسکی، سوزان؛ جنگ بوش‌ها (اسرار ناگفته یک جنگ)، تهران: نشر نی
- مبلغی، محمد، ۱۳۹۱؛ سیری بر جنبش مسیحیت صهیونیستی، مؤسسه راهبردی دیده بان، مجله اشارت، شماره ۷، ۷ خرداد ۱۳۹۱.
- متقی، ابراهیم، ۱۳۷۶؛ تحولات سیاست خارجی آمریکا: مداخله‌گرایی و گسترش ۱۹۴۵-۱۹۹۷، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- محمد صالح، ترجمه زعفرانی، قیس، ۱۳۸۴؛ بررسی تأثیر لابی صهیونیستی در انتخابات آمریکا، ماهنامه موعود، شماره ۵۸، صفحات ۲۹-۲۶، آبان ۱۳۸۴.
- مرشایمر جان، والت اسفن، ۱۳۸۵؛ لابی آپیک، ماهنامه سیاحت غرب، شماره ۴۱، صفحات ۷۸-۸۹.
- منصوریان، محمد علی، ۱۳۸۳؛ صهیونیسم مسیحی و جهان اسلام، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- میرزایی مقدم داوود، ستایش مهدی، ۱۳۹۱؛ مسیحیت صهیونیسم خودساخته، سایت پژوهه، ۲۱ فروردین ۱۳۹۱. مجله موعود،
- هرمزی، شانی، ۱۳۸۷؛ رویکرد سیاست خارجی آمریکا در قبال جریان‌ات اسلام‌گرا، فصلنامه روابط خارجی، ۱۳ خرداد ۱۳۸۷
- هلال، رضا، ۱۳۸۶؛ ترجمه جنتی، علی؛ مسیحیت صهیونیست و بنیادگرای آمریکا، چاپ دوم، قم: نشر ادیان.



- همان، ۱۳۸۳: ترجمه زعفرانی، قیس؛ مسیح یهودی و فرجام جهان ( مسیحیت سیاسی و اصولگرا در آمریکا، چاپ ششم، تهران، ۱۳۸۳.

(ب) انگلیسی

-Ben Barka, Mokhtar, 2012, The New Christian Right's relations with Israel and with the American Jews: the mid-1970s onward, <https://journals.openedition.org/erea/2753>

-Connelly, Christopher, 2016; Why American evangelicals are a huge base of support for Israel, 24 October 2016, [www.pri.org/stories/2016-10-24/why-american-evangelicals-are-huge-base-support-israel](http://www.pri.org/stories/2016-10-24/why-american-evangelicals-are-huge-base-support-israel)

-Dobson, D., (2013), "Manifest Destiny and the Environmental impacts of westward expansion", FJHP, volume 29, 41-69.

-French, David, 2019, The Real Reasons American Evangelicals Support Israel, 22 March 2019, National Review, Retrieved from <https://www.nationalreview.com/2019/03/the-real-reasons-american-evangelicals-support-israel/>

-Garfinkle, Adam, 2018; Can Americans Count to Three?: The Anglo-Protestant Basis of U.S Foreign Policy, Center For The Study Of America And The West, [www.fpri.org/article/2018/02/can-americans-count-three-anglo-protestant-basis-u-s-foreign-policy/](http://www.fpri.org/article/2018/02/can-americans-count-three-anglo-protestant-basis-u-s-foreign-policy/)

-Goldberg, Michelle, 2002; Evangelicals Shape U.S. Foreign Policy, 24 May 2002, <http://thereitis.org/evangelicals-shape-us-foreign-policy>

-Goodman, Walter(1984); RELIGIOUS DEBATE FUELED BY POLITICS, The New York Times, 28 October 1984, <https://www.nytimes.com/1984/10/28/us/religious-debate-fueled-by-politics.html>

-Inboden, William, 2008; Religion and American Foreign Policy, 1945-1960: The Soul of Containment, Cambridge University Press, 25 August 2008.

-Judis, John B, 2005; The influence of religion on U.S foreign policy, Washington DC : Carnegie Endowment for International Peace. <http://carnegieendowment.org/files/PB37.judis.FINAL.pdf>

-Kirby, Dianne, 2017, The Cold War and American Religion, Oxford Research Encyclopedias, May 2017, <http://religion.oxfordre.com/view/10.1093/acrefore/9780199340378.001.0001/acrefore-9780199340378-e-398>

-Kirchick, James, 2019, Quit Harping on U.S. Aid to Israel, 29 March 2019, <https://www.theatlantic.com/ideas/archive/2019/03/american-military-aid-israel-context/585988/>

-Lindsay, Hall, 1970; The Late Great Planet Earth, USA: Zondervan, 23 May 1970.

-Lipka, Michael (2013), More white evangelicals than American Jews say God gave Israel to the Jewish people, Pew Research Center, 3 October 2013, <https://www.pewresearch.org/fact-tank/2013/10/03/more-white-evangelicals-than-american-jews-say-god-gave-israel-to-the-jewish-people/>

-Magee, Malcolm, 2017; US foreign policy and religion, USA: Oxford University Press, <http://religion.oxfordre.com/view/10.1093/acrefore/9780199340378.001.0001/acrefore-9780199340378-e-409?print=pdf>

- Maltz, Judy, 2019; Growing Number of U.S. Jews Support Evacuation of All West Bank Settlements Survey Finds, HAARETZ newspaper, 02 June 2019, <https://www.haaretz.com/us-news/.premium-growing-number-of-u-s-jews-support-evacuation-of-west-bank-settlements-study-finds-1.7314699>
- Marsden, Lee, 2010; The Christian Right and US Foreign Policy today, 14 April 2010, [www.e-ir.info/2010/04/14/the-christian-right-and-us-foreign-policy-today/](http://www.e-ir.info/2010/04/14/the-christian-right-and-us-foreign-policy-today/)
- McMahon, Robert, 2006; Christian Evangelicals and U.S. Foreign Policy, Council On Foreign Affairs, 22 August 2006, [www.cfr.org/backgrounder/christian-evangelicals-and-us-foreign-policy](http://www.cfr.org/backgrounder/christian-evangelicals-and-us-foreign-policy)
- Newport, Frank, 2019; Americans' Views of Israel Remain Tied to Religious Beliefs, Gallup company, 19 March 2019, <https://news.gallup.com/opinion/polling-matters/247937/americans-views-israel-remain-tied-religious-beliefs.aspx>
- Oliphant, J. Baxter (19 March, 2018), The Iraq War continues to divide the U.S. public, 15 years after it began, Pew Research Center, <https://www.pewresearch.org/fact-tank/2018/03/19/iraq-war-continues-to-divide-u-s-public-15-years-after-it-began/>
- Plitnick, Mitchell, 2019, U.S. Aid to Israel: What You Need to Know, LobeLog, <https://lobelog.com/u-s-aid-to-israel-what-you-need-to-know/>
- Rudee, Eliana, 2017, America's 20 Most Influential Pro-Israel Evangelical Christians, 24 December 2017, [www.breakingisraelnews.com/99737/americas-20-influential-pro-israel-evangelical-christians/](http://www.breakingisraelnews.com/99737/americas-20-influential-pro-israel-evangelical-christians/)
- Smith, Gregory A, 2019, U.S. Jews are more likely than Christians to say Trump favors the Israelis too much, PEW research Center, 06 May 2019, <https://www.pewresearch.org/fact-tank/2019/05/06/u-s-jews-are-more-likely-than-christians-to-say-trump-favors-the-israelis-too-much/>
- WaldmanStaff, Peter, 2004; Evangelicals Give U.S. Foreign Policy An Activist Tinge, 26 May 2004, THE WALL STREET JOURNAL,